زوجه مردوفات یافته عضوفامیل برادرشوهربشمار می رود، امادرجریان جنگ همیشه پیروی ازین عنعنه امکان ندارد. سرنوشت بیوه ها مخصوصا غم انگیز است، بهویژه اگرآنها دارای اطفال کمتر باشند بازدیداز کمپ بیوه ها کاملا تکان دهنده است. جایی که زنان تقریبا دوراز جهان خارج بصورت تجرید ی بسرمیبرند. این کاملا خلاف عنعنه افغانهاست. جنگ منجربه شرایط به خصوص اجتماعی شده است که تحت آن بیوه ها ویتیمان درحالت بیگانگی بسر می برند. درصورتیکه ازسوی موءسسات امداد بین المللی کمک شوندموءسسات بیروکراتیک جای امور عنعنوی را گرفته که درنتیجه به بیگانگی هرچه بیشتر بیوه ها ویتیمان انجامیده ست.

تلفات اطفال

معلوماتیکه درموردتلفات اطفال از سروی انجام شده به دست آمده است ازطریق مصاحبه با زنان پیچیدگی این موضوع را به وضوح بیان میدارد. مقایسه میزان خالص تلفات (به اثرتمام عوامل) میان اطفال درافغانستان وپاکستان بعدازهجرت حقیقت جالبی را نشان میدهد. تلفات اطفال (اطفال کمتر ازیکسال عمر) درپاکستان اندک بیشتربود درحالی

که میزان تلفات در میان سنین دیگر در افغانستان به طور قابل ملاحظه یی بلند رفته بود (جدول پنجم دیده شود) .

یکی از عواملی که باعث تلفات نوزادان در پاکستان میشود تمرکز بیش از حد مردم در کمپ های مهاجرین است و اقعات شهادت در این دسته یقینا" بسیار پائین یعنی کمتر از دو فیصد تثبیت گردیده است از سوی دیگر شرایط هجرت بصورت غیر مستقیم تأثیرات نا مطلوبی را بر صحت مادران و اطفال مدتی بعد از ورود شان به پاکستان از خود بجا گذاشته است . با در نظر داشت این حقیقت که مهاجرت هم به خاطر جنگ صورت گرفته ، میتوان گفت که تلفات اطفال به اثر جنگ ۱۰۱ نی بلکه ۱۵۵ فی هزار را تشکیل می دهد . با وجود اینهم باید تذکر داد که از ۱۹۸۴ بدینسو بعد از یک مبارزه وسیع در رابطه به معافیت اطفال در امراض ، تلفات در میان اطفال افغان بصورت چشم گیر تقلیل یافته است . معلوماتی که ما درطی ده سال اخیر جمع آوری نموده ایم ، تمام نتایج حاصله از جنگ را بصورت یکجائی مدنظر قرار میدهد .

مجموع تعداد آنهائیکه آسیب کم دیده اند به ۳۱ فی هزار می رسد . آنهائیکه جراحات خفیف بر داشته اند ، در میان خانواده هائیکه با ایشان مصاحبه

صورت گرفته است ۷۵ فی هزار و در میان اعضای فامیلهای شان ۵۰ فی هزار را تشکیل میدهند این حقایق در رابطه به تناسب کسانیکه کشته شده اند و ۹۰ فی هزار را تشکیل میدهند بسیار زیاد کم است واضح است در حالتی که شرایط لازم در جهت حفظ الصحه مراعات نگردد، بدون امداد طبی حتی زخمهای کوچک هم میکروبی شده باعث مرگ میشود. علاوه بر این استعمال سلاحهای نیرومند و ثقیل علیه اهالی غیر نظامی فاقد دفاع هوایی و پناهگاههای زیر زمینی مجال زنده ماندن را بسیار کم میسازد. (نقشه شماره اول دیده شود).

عواقب مهاجرت

حقیقت دیگر یکه برای غربی ها حیرت آور است اینست که روش و برخورد مهاجرین همیشه با خطر حقیقی که به عقب کشور شان می آمد، ارتباط ندارد. هجرت تنها به اشتراک لیف و مصایب اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ صورت نگرفته است بلکه در شرایطی که یک کشور تحت تسلط کفار قرار بگیر دیک فریضه دینی محسوب میشود. با وجودیکه خطر جسمی نسبتا کم بود، این حقیقت بصورت واضح دلیل اصلی مهاجرت دسته جمعی مردم را در زمانیکه کمونیزم بر جامعه

سا یه‌ا فگنده‌بود ، ا را ئه‌می نما ید . همچنا ن پدید ه سا زش وخوگرفتن با جنگ نیزوجوددا شته‌ا ست که‌شا ید نتیجه‌درک وآ موزش درطی همین پروسه‌با شد . درا ین جریا ن، ا زلحا ظ روا نی مردم به‌دودسته‌تقسیم شد ه ا ند .

آ نها یی که‌شکست به‌ا فکا رشا ن مستولی شدوآ ن ها ئیکه‌هنوزهم دا را ی ذهنیت مثبت وخوشبینا نه بوده‌ا ند . دسته‌ا ول بخا طری به‌مها جرت پردا ختندتا ا زعوا قب جنگ درا ما ن با شند . دسته‌دو مرا ه مقا ومت را درپیش گرفتندتا شرا یط را تغییربدهند پروسه آ موزش عبا رت ا ست ا زکسب عا دت ا زقبیل جستجو و پیدا کردن پنا هگا ه‌ها که‌خطرا ت جنگ را کا هش میدهد . ا ین عوا مل تنها بصورت ضمنی علت کا هش تعدا د مها جرین را درسا لها ی ا ول نشا ن میدهد . بعد ا ز چها رسا ل، منا طق جنوبی ا فغا نستا ن بصورت کلی ا زمردم خا لی شده‌بود . (گرا ف ۲ دیده‌شود) .

نگا هی به‌تنا سب ا شخا ص کشته‌شده‌وشدت روند خا لی کردن منا طق ا زا ها لی بما کمک میکند تا ا ز لحا ظ زما نی وسطح ولایا ت شدت جنگ را ا رزیا بی نما یم . هجرت یک نوع دفا ع درمقا بل خطرتلقی شد ه . ولی سا لها ی هجرت برا ی مها جرین بسیا رزیا ن آ ور بوده‌ا ست .

بصورت عموم، درطول ا ین مدت خا نوا ده ها ی

مهاجرین ازهم پاشیده‌وامکان زخمی یاکشته شدن بصورت گسترده‌ازدیادمی یابد‌درموقع هجرت راههائیکه‌توسط کاروان های مهاجرین مورد استفاده قرارمی گیردبیشترازمناطق هموارکشورمی گذرد و این خودزمینه‌رابرای حملات هوایی هرجه بیشتر هموارمیکند. اوسط تعدادمهاجرکشته‌شده‌طی سال هجرت ۲،۲۷ مرتبه‌نسبت به‌کسانی که‌درداخل باقی ماندند، بیشتربود.

به‌اثرجنگ ، میزان مرگ درمیان مهاجرین با درنظرداشت فاصله‌یی که‌ازافغانستان طی می شود ، ازدیادیافته‌است. به‌همین دلیل امکان دارد که مجموع تعدادکشته‌شدگان بیشترازآماری باشد که ماجمع آوری نموده‌ایم، زیراما مهاجرین داخل کشوررامدنظرنگرفته‌ایم. به‌هرصورت چنین مینماید که‌این فرضیه‌قبلی ماراپیرامون رابطه‌میان تلفات جانی وترک مناطق اصلی بودوباش توسط مردم تائید می نماید. (نقشه‌شماره‌دوم دیده‌شود).

هجرت براساس ولایت

ازدیدگاه احصائی، آمارجمع آوری شده‌مابیش از ۸۰ درصدنفوس ولایات افغانستان رادربرمیگیرد. مردمانی که‌بیشتربراثرجنگ متأثرشده‌اندولایات

سمت شمالی کشور هم مرزا تحا دشوروی اند، پا شندگا ن کا پیسا (دره پنجشیر) ، سمنگا ن ، کندز، بغلا ن و شا ید هم بدخشا ن با دا دن ۱۶ درصد کشته یا معیوب بیشترا زدیگرا ن تلفا ت جنگی را متحمل شده اند. در مرحله دوم، میزا ن تلفا ت درفا ریا ب وبلخ درشما ل ومنا طق اطراف پا یتخت بیشترا ست . هم سرحد بودن این منا طق با شوروی وقرا رگرفتن آن درامتداد شا هرا ه عمده کشور که با پا یگا هها ی نظا می محا فظت میشود، علت ا صلی ا فزا یش میزا ن تلفا ت در منا طق فوق میباشد چون عسا کرشوروی بدون آنکه کدا م ما نعی درراه فعا لیتها ی آنها با شد می توا نند مستقیما" از قلمروخود مجا هدین را موردحمله قرا ربدهند وهمچنا ن فا صله میا ن مجا هدین وپا یگا هها ی اکما لاتی آن ها بسیا رزیا دا ست ، بنا برین اینها عوا مل عمده ای است که قا بلیت دفا عی مجا هدین این منا طق رامحدود مینما ید . ا زجا نبی موقعیت ارا ضی یعنی موجودیت سطوح هموا رطوری است که در مقا بل حملات هوا یی امکا نا ت پنا هگا هها ی طبیعی ومنا سب زمینی راا ز بین میبرد . افزون برین فا صله طویل میا ن این منا طق وپا کستا ن نیزدرا فزا یش تعدا د قربا نیا ن بی تأ ثیر نیست . با درنظر دا شت سا ل هجرت مردم بطور قا بل ملاحظه یی ا زیک ولایت تا ولایت دیگرفرق میکند

تجزیه وتحلیل سالها ئیکه طی آن حداکثر هجرت از ولایات صورت گرفته باشد، ما را به این نتیجه میرساند که خالی کردن افغانستان از مردم به صورت تدریجی نتیجه پالیسی شعوری، منظم و پلان شده شوروی بشمار میرود.

اهتمام به مسئله تجرید جنبش مقاومت از مردم با ایجاد یک کمربند دفاعی در امتداد سرحدات پاکستان، نشان دهنده خالی کردن مناطق سرحدی از مردم در سالهای ۱۹۷۸–۱۹۸۱ بود عدم قابلیت اردوی افغانستان در جهت دسترسی با این هدف شاید یکی از عوامل عمده یی باشد که مسکو را برای حمله بر افغانستان تشویق نمود. پاک سازی منطقه مرکزی در اطراف پایتخت که برای پی ریزی تهداب دولت کمونیستی آینده لازمی پنداشته میشد، طی سالیان ۱۹۸۲ و ۸۴ هدف عمده کمونیستها را تشکیل میداد در آنجا مکنترول وانکشاف شاهراه های اصلی وخطوط آهن که مناطق مرکزی را با شوروی وصل می نماید، هدف نهایی فتح کامل افغانستان را تشکیل میداد. پیروزی این اهداف شوم بدون بیرون راندن یا سرکوبی مردم امکان پذیر نبود. در این جا مشابهت واضحی را میان پالیسی آسیای میانه روسیه در قرن ۱۹ در اثنای احداث خط آهن ترانس کسپین (ماورای کسپین) را

اهداف اصلی شوروی درافغانستان میتوان مشاهده نمود (جدول ششم دیده شود).

ساختمان جمعیت
تغییرات دراثر جنگ

مقایسه‌یی میان مردم مهاجر در ۱۹۸۷ و مردم افغانستان در ۱۹۷۹ تفاوت قابل ملاحظه‌یی را که یقینا تاثیرات عمیقی برآینده سیاسی و اجتماعی آن کشور خواهد داشت، نشان میدهد.
نخست ما تأثیرات جنگ را به اساس طبقات جنس و سن تذکر می دهیم. درافغانستان درسال ۱۹۷۹ دربرابر ۱۰۶۲ نفر مرد ۱۰۰۰ زن قرار داشت. ولی در سال ۱۹۸۷ تعداد مرد و زن در بین مهاجرین در حال فرار مساوی بود ما این رقم درکمپهای پاکستان درمقابل ۱۰۰۰ زن ۹۵۷ مرد را نشان میدهد. به اثر جنگ در ۱۹۸۷، میزان بلند تلفات درمیان مردان اولین عامل این تفاوت میباشد. همچنان دیده شده است که درمیان اعضای خانواده‌های که هنوز هم درافغانستان باقی مانده‌اند، تعداد مردان در برابر زنان یکسان است.
انکشاف نسل جدید جوان درمیان مهاجرین که

خصوصیت یک جا معهای بعدا زجنگ است موضوع مهم دیگر به حساب می آید. اگر این را نتیجه انکشاف طبیعی ساختمان جمعیت بدانیم، علت اصلی تغییر، تلفات سنگین درمیان افرادیست که به سنین ۲۰ تا ۵۰ سال عمر تعلق دارندو کاهش زنان و مردان را در بر می گیرد همچنان تناسب اشخاص که بیشتر از ۵۰ سال عمر دارند در مجموع نفوس کشور افزایش یافته است. (جدول هفتم دیده شود)

تفاوت میان این دو نفوس (نفوس قبل ازجنگ و مهاجرین) وقتی بیشتر نمایان میشود که آنها را با درنظر داشت منطقه سکونت اصلی مقایسه کنیم. باشندگان مناطق شمال شرقی و مرکزی (هزاره جات) افغانستان درمیان مهاجرین که عمدتا ازمناطق هم سرحد با پاکستان مهاجرشده اند بسیار کم است. اما با گذشت زمان این تفاوتها درنتیجه ورود مهاجرین تازه ای که ازمناطق دوردست وطن را ترک میکنند، کمتر میشود (جدول هشتم وگراف ۳ دیده شود)

تخلیه اهالی ازمناطق زراعتی کشوریکجا با افزایش درمیزان نفوس شهری یکی ازجوانب مهم تأسیس حاکمیت کمونیستی را تشکیل میدهد. باید تذکر داد که ۹۷ فیصد مهاجرین را اهالی روستا یی تشکیل میدهند. ازهم پاشیدن جوامع روستایی که

بصورت عموم دشمن کمونیزم به حساب می آیند یکی از شرایط لازمی برای ثبات قدرت دستگاه حاکمه شمرده میشود که درنتیجه آن زمینه برای ایجاد طبقهٔ پرولتاریا که منبع قدرت و اساس قانونیت رژیم آینده کمونیستی را تشکیل میدهد، مساعد میگردد.

معلومات جمع آوری شده تحقیقات ما، هرگاه با منابع دیگر مورد مقایسه قرار گیرد امکان آنرا می دهد تا خصوصیت عمده این پروسه را توضیح نمائیم. از ۱۹۷۸ ثلث افغانها کشور را ترک گفته اند. ۱۱ درصد درداخل کشور مهاجر شده اند ۹ فیصد جان خودرا از دست داده اند. نفوس روستایی از ۸۵ به ۳۳ فیصد کاهش یافته است ونفوس شهری با سه برابر افزایش درکابل، از ۱۵ به ۲۴ فیصد ازدیاد یافته است. (ما برای اعمار جامعهٔ مارکسیستی به ۱۲ میلیون نفر ضرورت نداریم. ما صرف به یک میلیون نیاز مندیم) این بیانیه معروف یکی از رهبران کمونیستی افغانستان دراین رابطه درخورتوجه است. (جدول نهم دیده شود)

تغییرات درترکیب اقوام

هرگاه ساختمان قومی را در ۱۹۷۹ و ۱۹۸۷ مورد مقایسه قرار دهیم، شدت ازهم پاشیده شدن جامعه محلی افغان بیش از پیش به مشاهده میرسد. قبل از

پیشگفتار

این نبشته نتیجه کار تحقیقاتی ایست که به کمک موءسسات ذیل انجام شده است:

منشی دولت برای حقوق بشر، فرانسه، داکتران بدون مرز، کمیته سویدن برای افغانستان، دفتر بین المللی اطفال کاتولیک، دفتر بین المللی افغانستان در دسامبر سال گذشته، یک بررسی وسیع و همه جانبه پیرامون افغانها ئیکه در کمپهای مهاجرین پاکستان زندگی می کنند، تکمیل گردید. هدف اصلی این تحقیقات که از آگست تا دسامبر ۱۹۸۷ توسط گالوپ پاکستان روی دست گرفته شد، این بود تا تعداد یک خانواده با درنظرداشت این حقیقت که بتواند نمونه یی از یک خانواده مهاجر افغان باشد، تعیین گردد. همچنان خانواده نمونه طوری انتخاب شده بود تا تمام خصوصیات عمده مردم افغانستان را به اساس سرشماری که در ۱۹۷۹ صورت گرفته بود، منعکس سازد.

پرسش کنندگان سروی نام تمام اعضای خانواده

۱۹۷۹، پشتونها با تشکیل حدود ۴۰ درصدنفوس ،دارای اکثریت نسبی بودند. تاجیک های دری زبان با ۳۶ فیصددرمقام دوم قرارداشتندهزاره‌ها وازبک ها هر یک با تشکیل ده‌فیصدنفوس مقام سوم وچهارم را احرازمی کردند. درمیان کمپهای مهاجرین جائیکه پشتونها ۸۰ درصدوتاجک ها فقط ۶ درصدراتشکیل می دهند، این تناسب بکلی متفاوت است. ما ترکیب قومی رادرمیان مهاجرین ایران نمی دانیم اما بسیاری ازقبایل پشتون هم درامتدادسرحدباایران بودوباش داشتند. این حقایق ما را به این نتیجه میرساندکه‌درجریان جنگ ده‌ساله، پشتونها درداخل افغانستان از ۳۹ درصدبه ۲۲ درصدنفوس کاهش یافته اندوتاجک ها با تشکیل ۳۴ فیصدنفوس به‌گروه مهم قومی مبدل شده‌اندبعدازان پشتون ۲۲ فیصد، هزاره ۱۴ فیصدازبک ۱۴ فیصد، ترکمن ۴ فیصد قرار دارند. (جدول دهم دیده‌شود)

جمهوریتهای مسلمان شوروی که‌باشندگان آن تاجک، ازبک و ترکمن هستند، ظاهرا به اشغال گران شوروی موقع آنرا فراهم نموده‌اندتا دست به پروپاگندزده‌ووسایل ارتباط جمعی وسیستم‌تعلیمی وتربیتی خودرا که‌ازلحاظ لسانی با کمونیست سازی مردم افغانستان مطابقت دارد، صادرنماید.

علاوه برا ین ا رتباط قومی ولسانی میان این دو مناطق همسایه میتوانند با سهولت زمینه را برای الحاق ارضی این مناطق فراهم نماید. چنانچه عین موضوع درمورد کشورهای اروپای شرقی درجریان جنگ دوم جهانی صدق میکند.

درافغانستان این پروسه قبلا باالحاق بالفعل منطقه مهم وستراتیژیکی واخان توسط اتحاد شوروی واخراج سکنه قرغزی آن آغاز یافته است. عین روش درطرح پلان های بخاطر تجزیه پاکستان به اصطلاح به پشتونستان "آزاد" وبلوچستان نیز بکار برده شده است.

نتایج جنگ تنها به تلفات جانی ومهاجر شدن اهالی ازمناطق شان محدود نمی شود شاید عده یی از این تغییرات باز گشت ناپذیر باشد وهنوزهم بسیار مشکل است تا عواقب فوری ودرازمدت آنرا پیش بینی نمود. بیشتر از ۱۵ درصد مهاجرین افغان در پاکستان متولدشده و وطن خودرا هرگز ندیده اند. آنها درمقایسه با والدین شان ازتعلیمات عالی برخوردار می شوند اما آینده آنها بدون یک کشور بسیار تاریک و نامعلوم است. آیا آنها به فلسطینی های آسیای مرکزی مبدل خواهند شد؟ اگر مسئله افغانستان در کوتاه مدت حل وفصل نشود، حقایق زیادی به این

سوا ل ما پا سخ مثبت ا را ئه‌خوا هدنمود . آ ما ر مربو ط به‌شغل و پیشه‌مردم قبل وبعدا ز مها جرت نشا ن مـــی دهدکه‌تنا سب بیکا ر ی درمیا ن مردا ن ا ز ۳ به ۵۱ د ر صدا فزا یش یا فته‌ا ست . درموردزنا نی که ا ز ا مو ر زرا عتی محروم شده‌ا ندیقینا شرا یط بدترا زا ین‌است حقیقت فوق که‌عده‌یی ا زتحلیلگرا ن آ نرا با ز تـا ب روش (ا فرا طی میدا نندشا یدچیزی بیشترا ز علا یمی مبنی برتحول درطرززندگی ا جتما عی و ا قتصـا د ی مردما ن بی سرنوشت نبا شد .

درحا ل حا ضربرا ی ا کثریت مها جرین ا فغـا ن ، زندگی به‌معنا ی وا قعی آ ن جز بیکا ر ی چیزدیگر ی نیست . تحقیقا ت درررا بطه‌به‌شغل و پیشه‌نیزتغییرا ت حیا تی را نشا ن میدهد .

تنا سب کا رگرا ن غیرما هرا ز ۴ به ۳۱ فیصـــد ا فزا یش یا فته‌ا ست . همچنا ن یک طبقه کا ملا جدیـد را مشا هده‌می نما ئیم . مجا هدیا جنگجوی جنبـش مقا ومت .



نتیجه‌گیری

بیا ئید دوبا ره‌به‌مسئله‌تلفا ت جا نی برگردیم، آ یا وا قعا ا مکا ن دا ردکه‌بیشترا زیک میلیون مرد م کشته‌شده‌با شد؟ مقا یسه‌یی با جنگ دوم جها نی که در

آن، مانند افغانستان، از وسایل نیرومند تخریبی برعلیه افراد ملکی به پیمانه وسیع استفاده به عمل آمد، ما را به این نتیجه میرساند که بعد از ده سال جنگ ۹ فیصد رقم تلفات اغراق آمیز نیست. در یوگوسلاو یا بعد از چهار سال جنگ تلفات جانی یازده فیصد بود و در حالیکه اتحاد شوروی ۸/۶ فیصد را بعد از سه سال جنگ از دست داده بود. بعد از چهار سال جنگ، در پولند این رقم به (۶) فیصد میرسید. این ارقام شامل قربانیان کمیته های زندانیان سیاسی که تعداد آن ها زیاد بود، نمیشود. رقم ۹ فیصد تلفات در این مورد غیر عاقلانه نیست.

ادامه جنگ یگانه عامل تعداد تلفات نیست عامل دیگر که شاید مهمتر هم باشد عبارت از سطح انکشاف زندگی مردم است. تجزیه سن مردم افغانستان در جریان کودتای ثور نشان میدهد که اوسط طول عمر از ۳۰ تا ۳۵ سال تجاوز نمی کند. برای این که ما عین شرایط زندگی را در اروپا بیابیم باید به اوایل قرن هفده به عقب برگردیم. عدم موجودیت کمک های طبی به طور قابل ملاحظه یی مجال زنده ماندن زخمی ها را کاهش داده است. جنگ، همان قانون طبیعت را که اشخاص نیرومند نسبت به اشخاص ضعیف بیشتر مجال زنده ماندن را دارند، تشدید نمو-

ده است .

از لحاظ احصاییی درکشوری مانند افغانستان ، عواقب تلفات جانی براثر جنگ با یک کشور پیشرفته یکسان نیست . درحالیکه درمورد اول (در شرایط افغانستان) تأثیرات آن بارزتر است نیروی تولد وتناسل کمتر موردتأثیرقرار می گیرد . یک زن افغان ۷ یا ۸ طفل می زاید ، اما ۱۵ فیصدآنها درسال اول عمر می میرند اقدامات طبی با امکانات نسبتامحدود (واکسین) میتواند بصورت آنی میزان تلفات اطفال را کاهش داده وتأثیراتی را که به اثرجنگ وکاهش نفوس رونما شده است ازبین ببرد . اما این اقدام امدادی به قابلیت دفاعی مردم مربوط میشود .

دریک کشوری که تحت اشغال نیروهای دشمن قرارداشته باشد کمک های طبی بصورت موءثرانجام نمی گیرد .

امکان دارد که دردرازمدت تأثیرات از هم پاشیدگی جامعه افغان نسبت به تلفات جنگی زیان بیشتر به بارآرد . با سهولت میتوان پیشگویی نمود که تأثیرات محیطی دربخش زراعت بیشتراز همه خطرناک خواهد بود . کاهش نفوس دریک کشور نیمه هموار بدین معنی است که تخریب وتبدیل تمام مناطق به زمینهای بایر افزایش می یابد . کاهش تولیدات

زراعتی اجتناب نا پذیر میشود . گزارش پروفیسر اعظم گل ودیگر منابع نشان میدهدکه این پروسه قبلا آغاز یافته است .

موضوع اخیر ما را در رابطه به کمکهای بشردوستانه است فراهم آوری این کمکها لازمی است ، زیرا کمکها به مردم فرصت زندگی را مساعدمی سازد . اما این دارای تأثیرات منفی نیزهست زیرا برای مردمان کمک شونده درراه دسترسی به استقلال اقتصادی مشکلات ایجادمیکند . همچنان این امرباعث جلب مهاجرین جدیدنیز میشودکه درنتیجه پروسه از هم پاشیدگی اجتماعی درداخل افغانستان تشدید می یابد . این کمک ها باید بیشتر درجهت آبادی خود افغانستان سازمان داده شود . بطور مثال بجای پول نقدومواد غذایی بهتراست تا تخم بذری و وسایل تولیدمواد غذایی ودیگر تولیدات دراختیار این مردم قرارگیردوازین طریق بآنها مساعدت شود .

درحال حاضرتنها موءسسات غیردولتی جهت رفع ضرورت های مردم افغانستان سرگرم فعالیت اند، اما با درنظرداشت ضروریات واحتیاجات مردم امکانات آنها بسیار محدوداست .

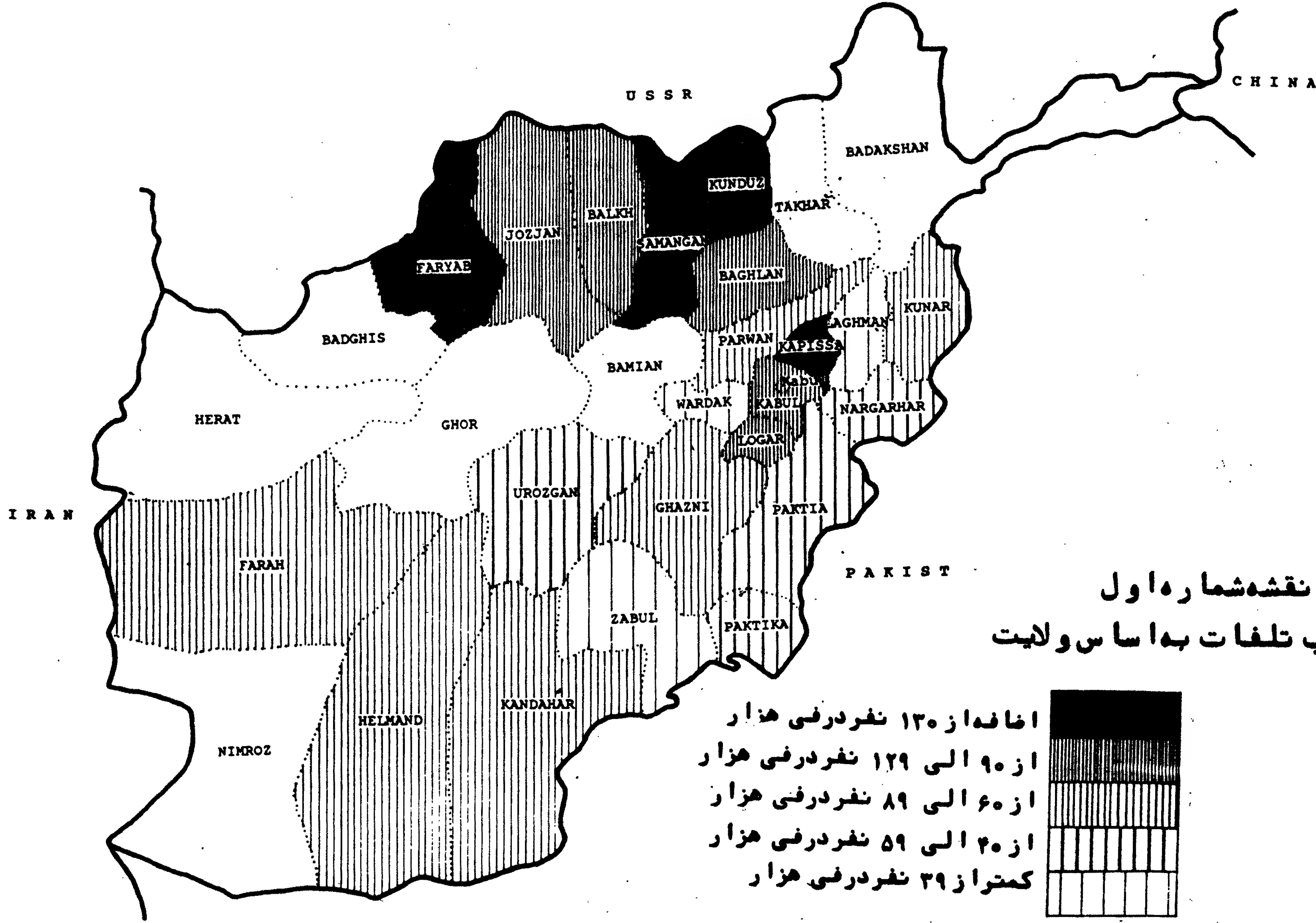
نتیجه عمده ای که ازکارتحقیقات ما بدست آمد اینست که با وجودیکه ترازیدی بشری واز هم پا-

شیدگی یک جا معه عنعنوی، یک ملت آزا دو بیدا رشد ه است . لازم است تا این عوامل مهم روانی را که نتیجه تحولات داخلی جنگ افغانستان است ، درک نمود این بیداری و آگاهی افغانها را مجبور میسازد تا به قیمت جان خویش و مهاجرت و قبول قربانیها جامعه خیالی اشتراکی را ردنمایند . این بیداری همچنان نشان دهنده مقاومت مسلحانه یک ملت کوچک ونا متجانس در مبارزه دربرابر نیروی بزرگ نظامی جهان است . با درنظرداشت جوامع آسیای مرکزی که به صورت عموم توسط حکمرانان مستبدا داره می شده پدیده دموکراسی قبیلوی درمیان افغانها که اساس آنرا توافق دسته جمعی از طریق جرگه تشکیل میدهد یکی ازعوامل عمده تعیین کننده دراین رابطه به حساب می آید .

خلاصه

نتیجه بدست آمده از تحقیقی که درا واخر ۱۹۸۷ – تکمیل گردیدنشان میدهدکه ۹ درصدنفوس افغانستان کشته شده ۱/۳ معیوب وتقریبا ۳۳ فیصدمجموع نفوس ، از کودتای ۱۹۷۸ باین طرف درپاکستان وایران آواره گردیده اند . بمباران قراء وقصبات اهالی ملکی و کاروانهای مهاجرین درحال فرار ازکشور ۴۶ در صد

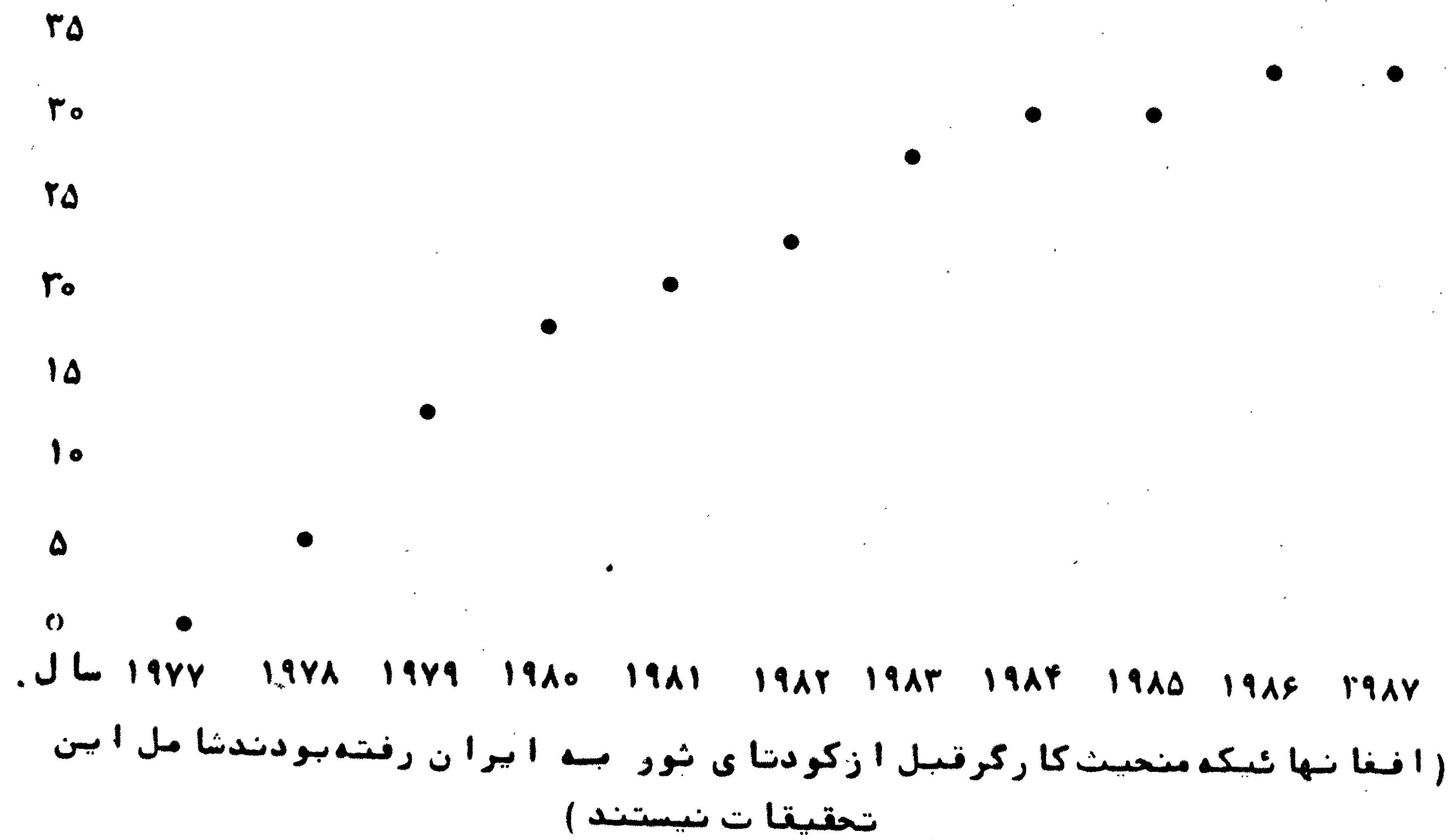
نخستین و عمده‌ترین عا مل تلفا ت محسوب میشود پس ا زآ ن ولی، بیشترین رقم تلفا ت جا نی را آ تش سلاح ها ی خفیفه ۳۳ فیصد ، گلوله‌با را ن سلاحها ی ثقیله و توپ ۱۲ درصدوما ین ۳ فیصدبه‌با رمی آ ورد . وسعت جنگ که‌دردورا ن زما مدا ری بریژنف نسبتا محد و د بودهفت نفر فی هزا ردردورا ن حکمروا یی ا ندروپوف وچرنینکوبصورت چشمگیرا فزا یش یا فت چنا نکه ا زسا ل ۱۹۸۴ درهرهزا ر ۱۶ نفرتلف گردید . ولا یا ت سمت شما ل ا فغا نستا ن که‌با ا تحا دشوروی سرحدمشترک دا ردبیشترا زسا یرنقا ط متأ ثرشده‌وا ضا فه‌ا ز ۱۲ درصد مجموع تلفا ت را تشکیل میدهد . تجزیه‌وتحلیل تعدا دسا لانه‌مها جرین تصویر روشنی ا زسترا تیژ ی شوروی را درا ختیا رما قرا رمیدهد . ا یجا دیک کمربند دفا عی نزدیک سرحدا ت پا کستا ن دربین سا لها ی ۱۹۷۸ و ۱۹۸۱ پا کسا زی منا طق ا طرا ف پا یتخت میا ن سا لها ی ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵ وکنترول وا نکشا ف شا هرا ه عمده‌وخطوط آ هن که‌کا بل را با ا تحا دشوروی وصل می نما یدا ز ۱۹۸۶ بدینسو مها جرت وکا هش نفوس در مناطق زرا عتی وا فزا یش بیش ا زحد درتعدا دنفوس شهر ی تحولات با رزی ا ست که‌جا معه‌ا فغا نی را متأثر میسا زد ا ز ۱۹۷۸ بدینسو- ثلث نفوس ا زکشورفرا رنموده ۱ ۱ درصدنفوس دردا خل کشوردست به‌مها جرت زده‌درنتیجه



نقشه‌شماره اول
تناسب تلفات به اساس ولایت
USSR
CHINA
IRAN
PAKIST
BADAKSHAN
KUNDUZ
TAKHAR
BALKH
JOZJAN
FARYAB
SAMANGAN
BAGHLAN
KUNAR
LAGHMAN
KAPISSA
PARWAN
BADGHIS
BAMIAN
WARDAK
KABUL
NARGARHAR
LOGAR
HERAT
GHOR
UROZGAN
GHAZNI
PAKTIA
FARAH
ZABUL
PAKTIKA
KANDAHAR
HELMAND
NIMROZ
اضافه از ۱۳۰ نفر در فی هزار
از ۹۰ الی ۱۲۹ نفر در فی هزار
از ۶۰ الی ۸۹ نفر در فی هزار
از ۴۰ الی ۵۹ نفر در فی هزار
کمتر از ۳۹ نفر در فی هزار
(ولایات هرات – بادغیس – غور – بامیان – تخار – بدخشان ونیمروز شامل این تحقیقات نیست)

گراف ۲

تعداد مهاجرین افغان در پاکستان و ایران با گذشت زمان



(افغانها ئیکه منحیث کارگر قبل از کودتای ثور به ایران رفته بودند شامل این تحقیقات نیستند)

نقشه‌شماره دوم

ولایات وسال که‌طی آن حداکثرهجرت صورت گرفته است

USSR
CHINA
IRAN
PAKISTAN
BADAKSHAN
86 KUNDUZ
TAKHAR
86 BALKH
86 JOZJAN
86 FARYAB
83 SAMANGAN
83 BAGHLAN
78 KUNAR
83 LAGHMAN
85 PARWAN
85 KAPISSA
83 KABUL
BAMIAN
84 WARDAK
79 NANGARHAR
79 LOGAR
BADGHIS
HERAT
GHOR
80 UROZGAN
78 GHAZNI
79 PAKTIA
87 FARAH
79 ZABUL
79 PAKTIKA
80 HELMAND
80 KANDAHAR
NIMROZ

ولایات که‌درآن تحقیقات صورت گرفته

جدول ششم

ولایات ، میزان تلفات وسالی که‌طی آن حد اکثر
هجرت صورت گرفته‌است

ولایات	فیصدی تلفات	حد اکثر سال هجرت	تعداد قضیه
سرحدپاکستان			
کنر	۷،۷	۱۹۷۸	۱،۷۳۲
ننگرهار	۴،۸	۱۹۷۹	۲،۱۷۸
پکتیا	۴،۴	۱۹۷۹	۲،۰۲۴
پکتیکا	۵،۴	۱۹۷۹	۲۷۹
غزنی	۶،۹	۱۹۷۸	۵۶۲
زابل	۳،۲	۱۹۷۹	۴۲۵
کندهار	۷،۴	۱۹۸۰	۹۹۰
هلمند	۸،۳	۱۹۸۰	۴۳۵
سرحدشوروی			
بدخشان	-	-	۱۱
تخار	-	-	۴۷
کندز	۱۵،۱	۱۹۸۶	۱،۱۲۴
بغلان	۱۱،۵	۱۹۸۳	۷۵۴

سمنگان	۱۴،۱	۱۹۸۳	۱۸۶
مزار شریف	۹،۸	۱۹۸۶	۵۹۱
جوزجان	۱۰،۸	۱۹۸۶	۳۸۹
فاریاب	۱۳،۵	۱۹۸۶	۶۸
بادغیس	–	–	۲
سرحدایران			
هرات	–	–	۱۹
فراه	۶،۹	۱۹۸۷	۵۷۵
نیمروز	–	–	۲۱
ولایات مرکزی			
بامیان	–	–	۱۰
غور	–	–	۱
ارزگان	۴،۳	۱۹۸۰	۷۳
کابل وولایات همجوار			
کابل	۱۰،۶	۱۹۸۳	۲۵۶
کاپیسا (پنجشیر)	۱۵،۸	۱۹۸۵	۶۰
پروان	۶،۱	۱۹۸۵	۸۵
لغمان	۳،۹	۱۹۸۳	۳۱۷
لوگر	۹،۱	۱۹۷۹	۵۵۷

یادداشت ۶۰ تن از اهالی یک منطقه برای نشان دادن یک ولایت بطور نمونه لازمی بود بنابران تحقیقات ما ۸۰،۷ درصد نفوس افغانستان را دربر میگیرد ولایات هرات ، بادغیس ، غور ، بامیان، تخار بدخشان و نیمروز شامل این تحقیقات نیست .

جدول اول

فعالیت های نظامی به اساس سال و منطقه

(سال ۱۹۸۴ صدفیصدقیاس شده است)

زون	۱۹۸۴ تعداد	۱۹۸۴ فیصدی	۱۹۸۵ تعداد	۱۹۸۵ فیصدی	۱۹۸۶ تعداد	۱۹۸۶ فیصدی	۱۹۸۷ تعداد	۱۹۸۷ فیصدی
سرحدپاکستان	۶۰۲	۱۰۰	۸۸۷	۱۴۷	۱۷۳۹	۲۸۹	۱۹۶۶	۳۲۷
سرحدشوروی	۴۴۹	۱۰۰	۳۲۲	۷۲	۶۲۷	۱۴۰	۸۹۴	۱۹۹
سرحدایران	۱۰۷	۱۰۰	۱۸۴	۱۷۲	۳۲۹	۳۰۷	۲۶۶	۲۴۹
ولایات مرکزی	۶۳	۱۰۰	۴۸	۷۶	۱۰۹	۱۷۳	۱۰۵	۱۶۷
کابل	۴۹۱	۱۰۰	۵۷۲	۱۱۶	۱۱۰۳	۲۲۵	۱۲۱۹	۲۴۸
مجموع	۱۷۱۲	۱۰۰	۲۰۱۳	۱۱۸	۳۹۰۷	۲۲۸	۴۴۵۰	۲۶۰

جدول هفتم

مقایسه نفوس افغانستان در ۱۹۷۹ ومهاجرین افغانستان در ۱۹۸۷ به اساس سن و جنس

(درفی هزار)

در ۱۹۷۹	مذکر	مونث	مجموع
کمتر از ۱۰ ساله	۱۶۵	۱۵۸	۳۲۳
از ۱۱ الی ۲۰ ساله	۱۱۷	۱۱۱	۲۲۸
از ۲۱ الی ۳۰ ساله	۸۴	۸۰	۱۶۴
از ۳۱ الی ۴۰ ساله	۵۹	۵۶	۱۱۵
از ۴۱ الی ۵۰ ساله	۴۰	۳۸	۷۸
از ۵۱ الی ۶۰ ساله	۲۷	۲۴	۵۱
از ۶۱ الی ۷۰ ساله	۲۵	۱۳	۳۸
از ۷۱ الی ۸۰ ساله	۶	۵	۱۱
بزرگتر از ۸۱ سال	۱	۱	۲
مجموع	۵۲۴	۴۷۶	۱۰۰۰

درسال ۱۹۸۷

کمتر از ۱۰ ساله	۱۶۰	۱۸۱	۳۴۳
از ۱۱ الی ۲۰ ساله	۱۲۵	۱۲۷	۲۵۲

از ۲۱ الی ۳۰ ساله	۸۱	۶۸	۱۴۹
از ۳۱ الی ۴۰ ساله	۴۴	۴۱	۸۵
از ۴۱ الی ۵۰ ساله	۳۱	۳۷	۶۸
از ۵۱ الی ۶۰ ساله	۲۹	۳۱	۶۰
از ۶۱ الی ۷۰ ساله	۲۲	۱۷	۳۹
از ۷۱ الی ۸۰ ساله	۱۳	۱۱	۲۴
بزرگتر از ۸۱ سال	۴	۲	۶
مجموع	۴۸۹	۵۱۱	۱۰۰۰

جدول هشتم

مقایسه نفوس افغانستان در ۱۹۸۷ به اساس ولایت بانفوس مهاجرین در ۱۹۸۷ در پاکستان

ولایت	فیصدی نفوس ولایات به اساس نفوس افغانستان در ۱۹۷۸	فیصدی مهاجرین هر ولایت باساس نفوس مهاجرین درپاکستان در ۱۹۸۷	فیصدی مهاجرین هر ولایت به اساس نفوس قبلی آن
سرحد پاکستان			
کنر	۱،۸	۸	۹۰
ننگرهار	۵،۳	۶،۷	۳۲
پکتیا	۳،۵	۱۴،۴	۹۰
پکتیکا	۱،۷	۲،۸	۵۳
غزنی	۴،۶	۵،۶	۳۰
زابل	۱،۳	۴،۴	۸۵
قندهار	۴	۱۰،۳	۶۵
هلمند	۳،۷	۴،۵	۳۰
سرحد شوروی			
بدخشان	۳،۵	–	–
تخار	۳،۷	–	–

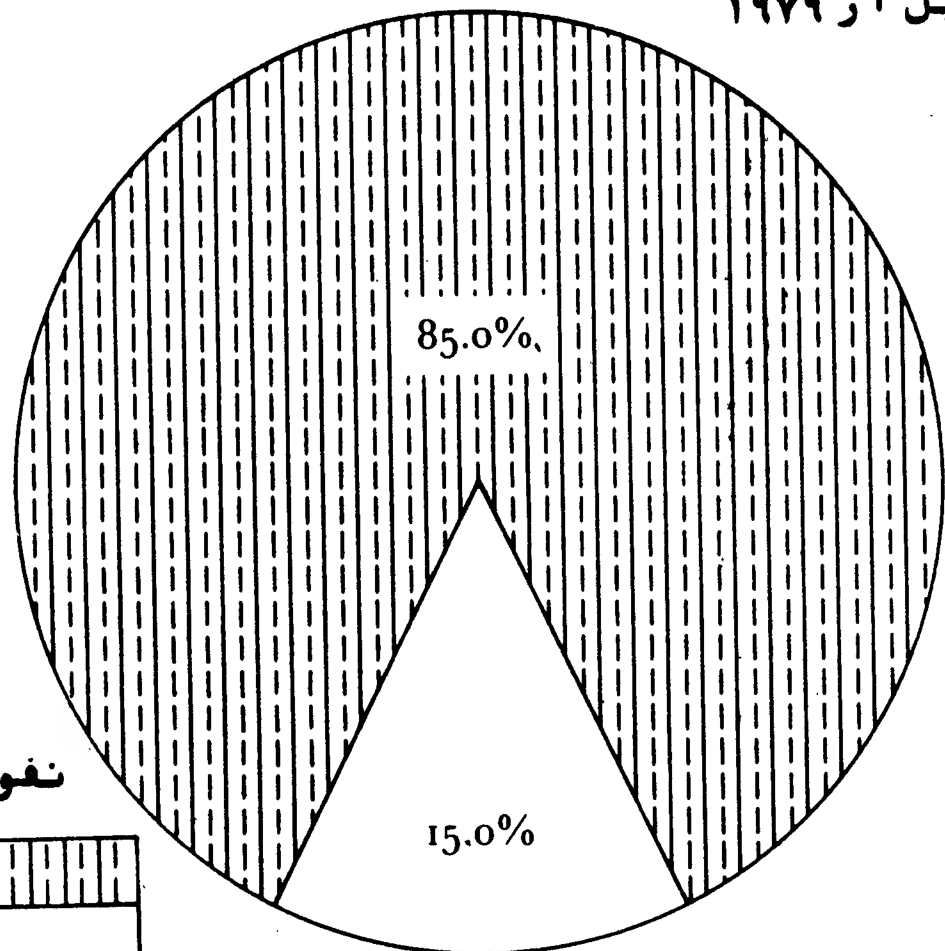
کندز	۳،۹	۹،۲	۵۹
بغلان	۳،۵	۷،۶	۵۱
سمنگان	۱،۹	۱،۷	۲۲
مزار شریف	۴،۸	۵،۷	۳۰
جوزجان	۴،۲	۱،۵	۱۰
فاریاب	۴،۱	—	—
بادغیس	۱،۶	—	—
سرحد ایران			
هرات	۱۱،۵	—	—
فراه	۱،۷	—	—
نیمروز	۰،۷	—	—
ولایات مرکزی			
بامیان	۱،۹	—	—
غور	۲،۴	—	—
ارزگان	۳،۲	—	—
کابل وولایات همجوار			
کابل	۱۳،۱	۲،۷	۶،۸
کاپیسا	۲،۱	—	—
پروان	۵،۴	—	—
لغمان	۲،۲	—	—
لوگر	۱،۸	۳،۴	۴۷

آمار ارائه شده درجدول نشان میدهد که میزان مهاجرین از ین ولایات شاید کمتر از یک فیصد باشد

گراف ۳

نفوس افغانستان قبل از ۱۹۷۹ و در ۱۹۸۷

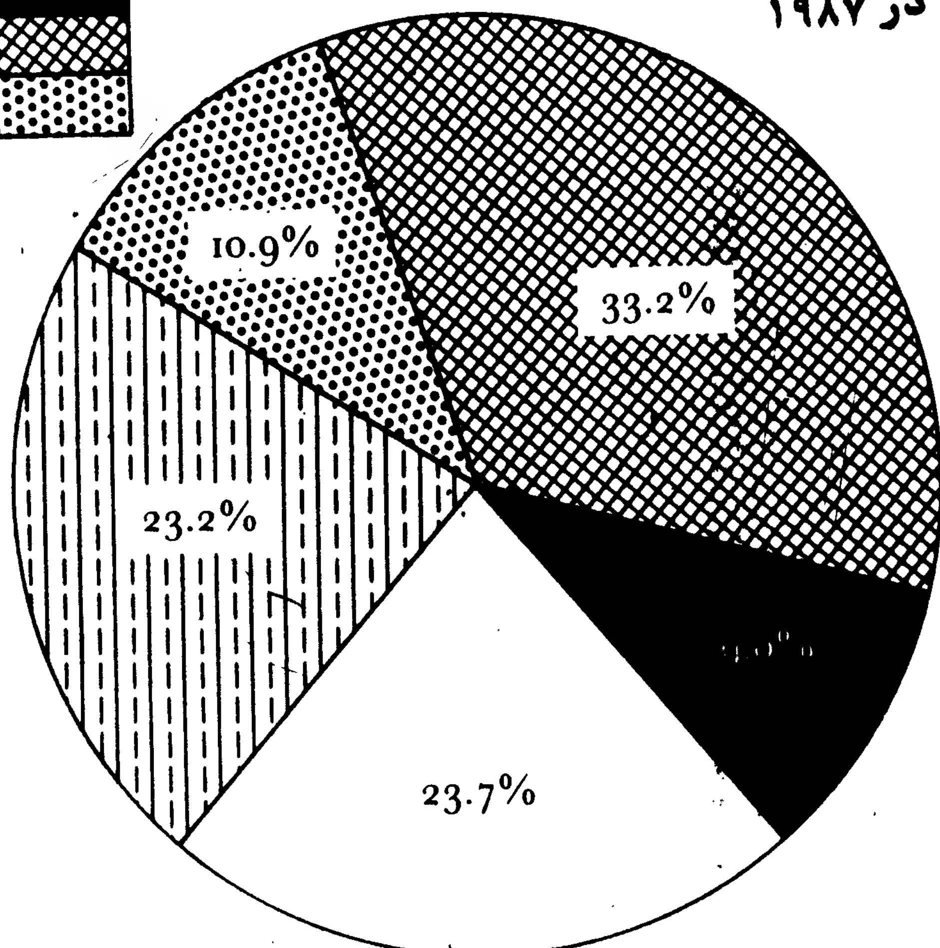
قبل از ۱۹۷۹



نفوس افغانستان

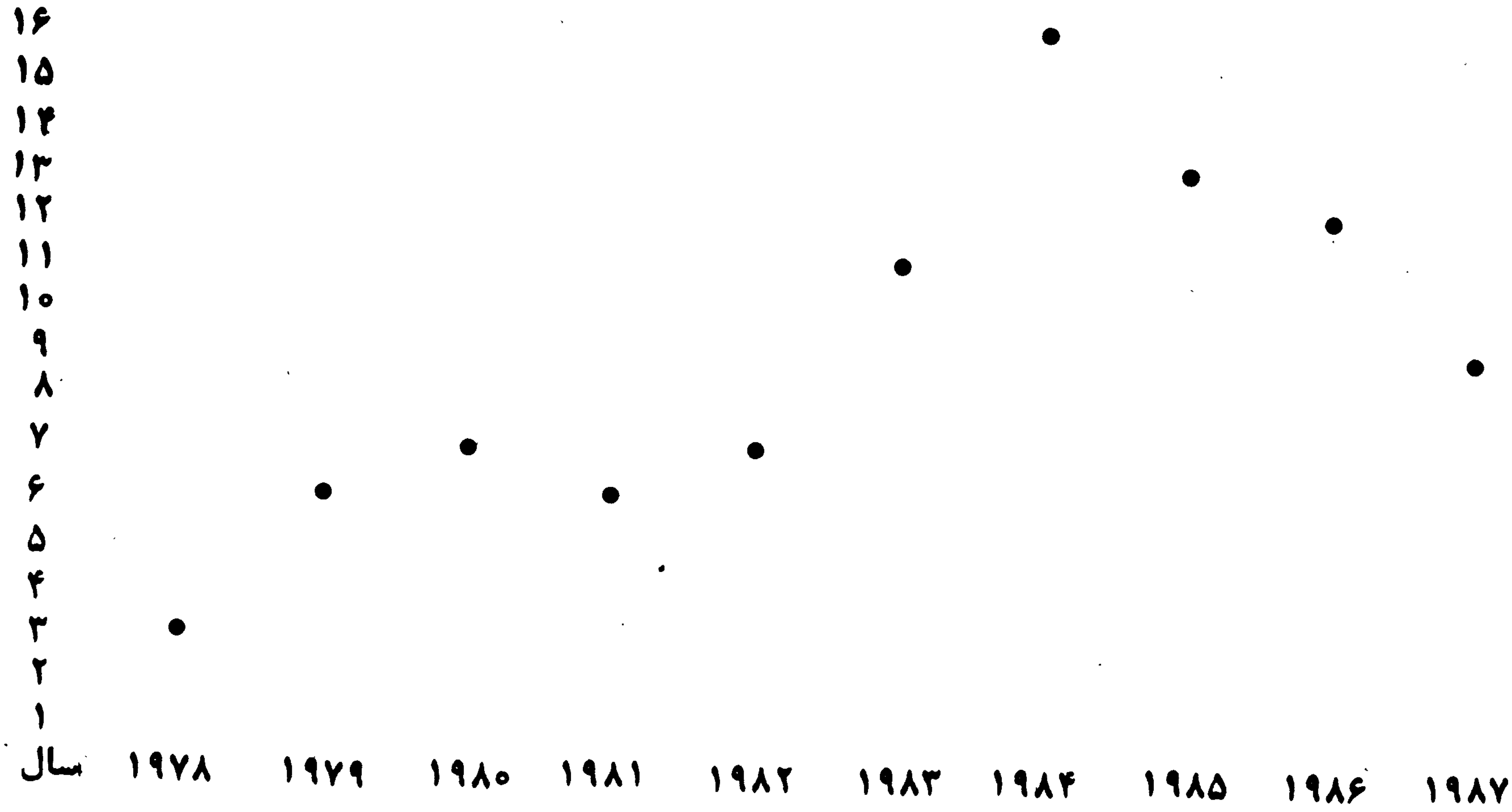


در ۱۹۸۷



گراف ۱

میزان تلفات سالانه
(درفنی هزار)



جدول نهم

فیصدی نفوس افغانستان به‌اساس سال، تعداد مهاجرین تلفات، نفوس شهری و روستاهی

سال	مهاجرین		تلفات	نفوس افغانستان	
	خارجی	داخلی		شهری	روستاهی
از ۷۷ الی ۷۸	٥	٥	٥	۱۵	۸۵
از ۷۸ الی ۷۹	۵،۸	۱،۹	٥،۳	۱۵،۹	۷۶،۱
از ۷۹ الی ۸٥	۱۳،۵	۴،۴	٥،۹	۱۶،۷	۶۴،۵
از ۸٥ الی ۸۱	۱۷،۸	۵،۸	۱،۶	۱۷،۶	۵۷،۲
از ۸۱ الی ۸۲	۲۱،۴	۷	۲،۲	۱۸،۵	۵٥،۹
از ۸۲ الی ۸۳	۲۳،۶	۷،۷	۲،۹	۱۹،۳	۴۶،۵

از ٨٣ الى ٨٤	٨،٨	٤،١	٢٦،٨	٢٠،٢	٤٠،١
از ٨٤ الى ٨٥	٩،٦	٥،٦	٢٩،١	٢١	٣٣،٨
از ٨٥ الى ٨٦	١٠	٦،٩	٣٠،٦	٢١،٩	٣٠،٦
از ٨٦ الى ٨٧	١٠،٧	٨،١	٣٢،٧	٢٢،٨	٢٥،٧
١٩٨٧	١٠،٩	٩	٣٣،٢	٢٣،٧	٢٣،٢

جدول دهم

فیصدی تفاوت درترکیب قومی افغانستان قبل از ۱۹۷۸ ودر ۱۹۸۷

گروپهای قومی افغانستان در مهاجرین در افغانستان در

	۱۹۷۸	۱۹۸۷	۱۹۸۷
پشتون	۳۹	۸۴،۶	۲۲
تاجک	۲۶	۶،۰	۳۴
هزاره	۱۰	۰،۱	۱۴
ازبک	۱۰	۰،۵	۱۴
ترکمن	۳	۱،۰	۴
نورستانی	۱	۱،۵	
بلوچ	۱	۳،۶	
سایر اقوام	۱۱	۲،۷	۱۲
مجموع	۱۰۰	۱۰۰،۰	۱۰۰

کانون ترجمه آثار جهاد افغان منتشر کرده است

شماره نام کتاب	نویسنده	لسان	سال طبع
۱- رویدادهای جهاد افغان	پوهاند دکتور علمی	دری	۱۳۶۵
۲- گزارشهای ملل متحد پرامون حقوق بشر در افغانستان	پروفیسر فلیکس ارمکورا	دری	۱۳۶۵
۳- شوروی سازی افغانستان	مجموع مقالات	انگلیسی	۱۳۶۵
۴- تأثیر جهاد افغانستان بر آسیای میانه	پروفیسر بنگن و پروفیسر لمرسیر	دری	۱۳۶۶
۵- نفوذ روس بر جوانان افغان	وزارت خارجه امریکا	دری	۱۳۶۶
۶- دافغانی دجهاد اغیزه پهروسی ټولنه	تراس کوزیو	پشتو	۱۳۶۶
۷- پایمالی حقوق بشر در افغانستان	حزب دموکرات مسیحی المان فدرال	دری	۱۳۶۶

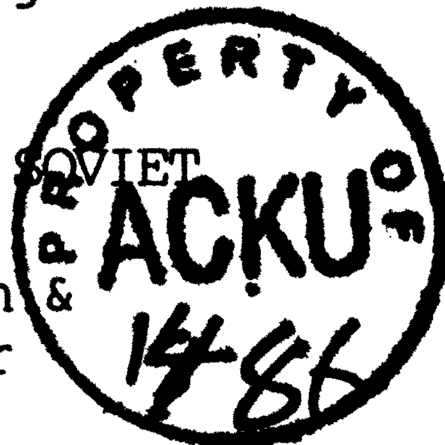
۸ـ موضعگیریهای گورباچف درمورد افغانستان	مارین سترمکی	دری	۱۳۶۶
۹ـ نگاه مختصر بر شوروی سازی معارف افغانستان	پوهاند دکتور علمی	انگلیسی	۱۳۶۶
۱۰ـ افغانستان در آتش		دری	۱۳۶۷
۱۱ـ معاهده جینوا		دری	۱۳۶۷
۱۲ـ افغانستان ۸۷-۱۹۸۶	پروفیسر ستاهل و باول بوخرر	دری	۱۳۶۷
۱۳ـ افغانستان گزارشهای سیاسی ونظامی	پوهاند دکتور علمی	دری	۱۳۶۷
۱۴ـ پیمان جینوا ـ بازی با سرنوشت افغانستان	روزان کلس	دری	۱۳۶۷
۱۵ـ افغانستان دهه شوروی سازی	مجموع مقالات	انگلیسی	۱۳۶۷
۱۶ـ کمونیست چندحزبی افغانستان	آرنلد وکلس	دری	۱۳۶۷
۱۷ـ افغانستان ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷	ماریک سیلونکی	دری	۱۳۶۷

Other Works Translated and Published by <u>AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE</u>

1 . CHRONOLOGY OF AFGHANISTAN EVENTS
Prof.Dr.S.M.Yusuf Elmi

2 . U.N.AFGHAN HUMAN RIGHTS REPORTS
Prof.Dr.F.Ermcora

3 . THE SOVIETIZATION OF AFGHANISTAN
Edited by : Prof.Majrooh & Prof Elmi



4 . THE AFGHAN WAR AND SOVIET CENTRAL ASIA
Prof.Dr.A.Bennigsen &
Prof.Dr.C.Lemercier

5 . SOVIET INFLUENCE ON AFGHAN YOUTH
United States , Department of State , Bureau of Public Affairs , February 1986

6 . OPPOSITION IN THE USSR TO THE OCCUPATION OF AFGHANISTAN
Taras Kuzio , <u>CENTRAL ASIAN SURVEY</u>

7 . MENSCHENRECHTE IN AFGHANISTAN
CDU - Bundesgeschaftesstelle

جدول دوم

عوامل تلفات

عامل	فیصدی
بمباری	۴۶
مرمی	۳۳
توپخانه	۱۲
مین	۳
مریضی	۲
سایر	۴

8 . GORBACHEV'S NEW STRATEGY IN AFGHANISTAN
Marin Stremecki Strategic Review

9 . A BRIEF LOOK AT THE SOVIETIZATION OF AFGHAN EDUCATION
Prof.Dr.S.M.Yusuf Elmi

10 . AFGHANISTAN V OGNI

11 . THE GENEVA ACCORD

12 . AFGHANISTAN 1986 / 87
Prof.Albert A. Stahel &
Paul Bucherer - Dietschi

13 . AFGHANISTAN THE POLITICAL AND MILITARY EVENTS
Prof.Dr.S.M.Yusuf Elmi

14 . AFGHANISTAN : THE ACCORDS
Rosanne Klass

15 . AFGHANISTAN - A DECADE OF SOVIETISATION
Edited By : Prof.Dr.Yusuf Elmi

16 . AFGHANISTAN'S COMMUNIST PARTY
A.Arnold & R. Klass

Afghanistan 1978-87 War, Demography and Society

Marek Sliwinski
University of Geneva

Central Asian Survey
London, May 1988

Translated into Dari
& Published by

AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE

No. 14 Peshawar - Pakistan

جدول سوم

مقایسه تلفات با درنظرداشت سن وجنس

فیصدی تمام افرادی که درنتیجه بمباردمان هوایی کشته وزخمی شده است

سن	مرد	زن	مجموع
الی ده سال	۷۳	۶۰	۶۷
از ۱۱ الی ۲۰ ساله	۴۹	۷۸	۵۸
از ۲۱ الی ۳۰ ساله	۲۷	۷۶	۳۲
از ۳۱ الی ۴۰ ساله	۳۸	۹۲	۴۲
از ۴۱ الی ۵۰ ساله	۴۳	۸۱	۵۰
از ۵۱ الی ۶۰ ساله	۴۶	۷۸	۶۵
اضافه از ۶۰ ساله	۶۱	۷۸	۶۶
مجموع	۴۰،۹	۷۶،۷	۴۵،۸

جدول چهارم

فیصدی تلفات بهاساس سن وجنس

سن	مرد	زن	مجموع
الی ۱۰ ساله	۳،۱	۲،۸	۳،۰
از ۱۱ الی ۲۰ ساله	۵،۹	۳،۶	۴،۸
از ۲۱ الی ۳۰ ساله	۱۷،۳	۳،۳	۱۱،۵
از ۳۱ الی ۴۰ ساله	۲۲،۴	۲،۱	۱۴،۰
از ۴۱ الی ۵۰ ساله	۲۲،۰	۶،۸	۱۴،۷
از ۵۱ الی ۶۰ ساله	۲۰،۷	۴،۶	۱۲،۶
اضافه از ۶۰ ساله	۱۷،۳	۷،۰	۱۳،۰
مجموع	۱۳،۴	۳،۸	۹،۰

جدول پنجم.

فیصدی تلفات اطفال افغان درافغانستان و پاکستان

سن	درافغانستان	درپاکستان	تفاوت
کمتراز یکساله	۱۴،۴	۱۷،۱	-۲،۷
از ۱ الی ۵ ساله	۹،۸	۴،۲	۵،۶
از ۶ الی ۱۰ ساله	۴،۶	۰،۸	۳،۸
از ۱۱ الی ۱۵ ساله	۳،۸	۰،۴	۳،۴
مجموع	۳۲،۶	۲۲،۵	۱۰،۱

جنگ ۹ فیصدکشته‌شده ونفوس روستا یی ا ز ۸۵ به ۳۳ – فیصدکا هش یا فته‌ا ست . در منا طق شهری نفوس ا ز ۱۵ به ۲۴ فیصدا فزا یش یا فته‌چنا نکه‌نفوس پا یتخت سه برا برا فزا یش یا فته‌ا ست . برا ثرشدت تخلیه منا طق مختلف ا زا ها لی ترکیب قومی سرتا سرکشوربطورکلی تغییرنموده‌ا ست . ■



را که با آ نـها درسرشما ری ۱۹۷۸ درا فغا نستا ن مصا حبه صورت گرفته بود ، شبت نمودبعدا نا م با ا فزا یـــش تولدوتلفا تی که ا ز آ نوقت بدینسو (ا زکودتا ی ثور) صورت گرفتهٔ ست ، تکمیل گردید . پرسشها ی دیگر ی که مطرح گردید ، مسیر مها جرت ، موقف ا جتما عی ـ ا قتصا دی و مسا یل مربوط به ا صلیت قومی وچگونگی و عوا مل دقیق مرگ و میررا دربر می گرفت . خا نوا د ه ها ی نمونه که تعدا د آ نها به ۱۹۶۳ میرسید ، معلوما ت فردی پیرا مو ن ۱۸۶۸۶ تن را ا را ئه نمود .درتحقیقات جدا گا نه که همزما ن به عمل آ مد ۵۸۵ زن و ۴۰۸ کود ک موردبا زپرسی قرا رگرفت وبدینصورت معلوما ت ا ضا فی پیرا مو ن ۳۲۱۱ طفل و ۸۱۶ کلان سا ل را درا ختیا ر ما قرا ردا د . نتیجه گیری ها ی ما برا سا س ۲۳۷۰۰ پرونده ا ستوا ر بود .

برا ی تعیین خا نوا ده نمونه ا زدوا صل ا ستفا ده شده تقریبا ۷۰ درصدبصورت ا تفا قی ا نتخا ب گردید وبرا ی ۳۰ درصدبا قی ما نده ا زسهمیه ا ستفا ده بعمل آ مددلیل ا سا سی برا ی ا ستفا ده ا زا ین دوا صل ا یـن بودکه نمونه ها ی مشخص ا زجمعیت مها جرین درا ختیا ر دا شته با شیم ونتیجه گیری درموردنفوس ا فغا نستا ن ا زسهمیه ا ی که درمیا ن مها جرین بصورت نسبی کـم بود ، بدست بیا ید .

نمونه‌های احتمالی برطبقات سه‌گانه‌ذیل استوار بود :
۱ـ کمپ مهاجرین. ۲ـ گروه‌های همگانی در داخل کمپ . ۳ـ خانواده‌های داخل گروپ .

درجهت تسهیلات نمونه‌گیری همگی ۳۱۸ کمپ ثبت شده‌مورد استفاده‌قرار گرفت . این جدول ثبت احوال که‌حاوی محل بودوباش اصلی مهاجرین نیز بود ، زمینه‌را مساعدنمودتا باشندگان چهل منطقه‌را بصورت اتفاقی ازداخل افغانستان انتخاب نمائیم همچنان گروههای تحقیقاتی دارای یک سلسله‌رهنمود هایی نیزبودکه‌به‌اساس آن مصاحبه‌شوندگان ازخانه ها یاخیمه‌های مهاجرین انتخاب میشدند . سن سرپرست خانواده‌که‌مصاحبه‌با وصورت میگرفت نیز مد نظرقرارمی گرفت . به‌اثرجنگ قبیلوی درعلاقه کرم با باشندگان پنج کمپ مستقردرآنجا مصاحبه صورت گرفته‌نتوانست . هدف این مقاله‌تهیه‌احصائیه‌نفوس نیست بلکه‌تحلیل ترکیب جمعیت وپیامدهای اجتماعی جنگ درافغانستان مضمون این بررسی راتشکیل می دهد .

میزان تلفات ـ ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷

تجزیه‌آماربدست آمده‌نشان میدهدکه‌از زمان

بقدرت رسیدن کمونیستها اپریل ۱۹۷۸ بدینسو و به تعقیب آن باقیام سرتاسری مردم ومداخله شوروی بعدازبیست ماه ۹ درصدمردم افغانستان جان خودرا ازدست داده اند. درطی سالیان اخیر، این بلند ترین رقم تلفات را درتاریخ نشان میدهدوحتی از میزان تلفات تیکه‌شوروی ها درجریان جنگ دوم‌جهانی داده اند (۶ الی ۸ درصد) بیشتراست. همچنان اندازه‌تلفات با ارائه‌این ارقام که‌در جنگ دوم جهانی پولیندویوگوسلاویه‌با لترتیب ۶ و ۱۱ در صد مجموع نفوس‌خودرا ازدست داده اند، نیزبیشتر می گردد. هرگاه‌رقم تلفات با درنظرداشت نفوس افغانستان که‌درمیان ۱۲ تا ۱۵/۵ میلیون برآورد شده درنظرگرفته‌شوددرانصورت تعداد کشته‌شدگان تقریبا به ۱۲۴۰۸۰۰ تن میرسد. ولی بخاطرباید سپرد که میزان اشتباه‌درحدود ۱۵ درصدنسبتا زیاد است

نتایج کارما محل سکونت اصلی وتاریخ هجرت مهاجرین را نیزدربرمی گیرد آمارهای مربوطه‌تعداد مرگ ومیرسالانه میان مهاجرین ازسالی که‌به هجرت آغازکرده‌اند، نشاندهنده‌شدت جنگ درطول ده سال است. جالبتراینکه‌میزان تلفات با تغییراتی که درسطح رهبری شوروی واقع میشده، ارتباط دارد (گراف اول دیده‌شود). میزان تلفات را میتوان به

چهار یا پنج مرحله تقسیم نمود. مرحله اول از ۱۹۷۸ - ۷۹ یا زمان جنگ داخلی که مهاجرت مردم وتلفات نسبتا محدود دا هالی ملکی (میان سه الی شش تن در هر هزار - سالانه) مشخصهٔ آنرا تشکیل میدهد. مرحله دوم که بعد از تجاوز شوروی آغاز شد نیز با مهاجرت روز افزون مهاجرین همراه بود. اما درسالهای بعد مهاجرت مردم روبه کاهش نهاد. دردوران زمامداری بریژنف رقم تلفات به هفت تن فی هزار افزایش یافت. مرحله سوم که با دوران زمامداری اندروپوف و چرنینکو مصادف است، با افزایش شدت جنگ همراه بود میزان تلفات که در دوران اندروپوف یازده نفر فی هزار بوددر زمان حکومت کوتاه مدت چرنینکو به شانزده نفر فی هزار افزایش یافت. در دوران گورباچف جنگ با شدت ادامه یافت تعداد تلفات سالانه سیزده تن فی هزار رشد، نتایج نامکمل سال ۱۹۸۷ نشان میدهدکه با تقویت کیفی نیروی جنگی جنبش مقاومت، مرحله پنجم آغاز شده است به وانمود موءسسه مطالعات ستراتیژیک اسلام آباد (به جدول یک مراجعه شود) درحالیکه درتعداد دبرخورد های نظامی افزایش بعمل آمده اما میزان تلفات نسبت به سالهای گذشته به صورت قابل ملاحظه یی پایین آمده است. کیفیت سلاحهای جنبش مقاومت بعد از

دریافت راکتهای ستنگروبلوپاییپ بصورت قابل ملاحظه بهبودیافته است . (گراف ۱ وجدول اول دیده شود).

تلفات ــ تعداد وعوامل

تجزیه وتحلیل تعداد زخمی ها درهرسال بصورت عموم نتایج قبلی را تصدیق می نماید . اما تفاوت اندک به ملاحظه می رسد . زیرا بلندترین درجه در میزان تعداد زخمی ها نه دوران زمامداری چیرننکو بلکه همزمان با آغاز دوره گورباچف منشی عمومی حزب کمونیست شوروی ۱۹۸۵ است . این حقایق نشان دهنده این واقعیت است که تعداد برخوردهای نظامی با تعداد تلفات ارتباط مستقیم ندارد . اکثر تلفات نتیجه استفاده از وسایل نیرومند تخریبی در برابر افراد غیرنظامی بوده است .

برخلاف توقع ، جنگهای شدید به گونه یی اهالی غیرملکی را از دادن تلفات مصئون نگهمیدارد ، زیرا فعالیتهای تمرکزیافته بیشتر بصورت مستقیم متوجه اهداف نظامی می باشد ، افراد غیرنظامی همچنان موجودیت سلاحهای ضدهوایی عامل دیگری درمصئون نگهداشتن افراد غیرنظامی به حساب می آید .

نتیجه تحقیقات عوامل تلفات وضایعات را نیز

در بر می گیرد به حوا له گزا رشها بمبا را ن هوا یی مناطق مسکونی و مها جرین درحا ل فرا را زمنا طق شا ن عا مل عمده تلفا ت جا نی وآ سیب مردم بشما رمیرود (جدو ل دو م دیده شود .)

تلفا ت برا سا س سن وجنس

بخا طر با یدسپر دکه قربا نیا ن بمبا را نهای هوا-یی را عموما ا فرا دمر بوط به دسته ها ی غیر محا رب نفوس تشکیل میدهدیعنی زنا ن، ا طفا ل، کمتـــرا ز پا نزده سا ل وکهن سا لان با لاترا زپنجا ه وپنج سا ل .
ا ین دسته ۵۲ فیصدقربا نیا ن را تشکیل میدهند .چو ن تما م مردا ن میا ن سنین پا نزده وپنجا ه وپنج حتما مجا هدنیستند . بنا برا ین میتوا ن گفت کها شخـــا ص غیرمحا رب (کسا نیکه درجنگ نیستند) هشتا د فیصد مجموع کشتگا ن یا زخمی ها توسط بمبا ردما ن هوا یی را تشکیل می دهد .

چنین می نما یدکه موء ثریت نیروها ی هوا یی علیه گروهها ی مسلح به صورت نسبی محدودبوده ا ست .

تعدا دکشته یا زخمی توسط بمبا را ن در میا ن ا فرا دذکور مربوط گروه ۲۱ تا ۴۰ سا ل عمـر دا رند (ا ین گروه ذخیره با لقوه مجا هدین را تشکیل مید - هند) نسبت به دیگر گروهها کمترا ست (۲۷ در صـــد

افرادذکوری که ۲۱ تا ۳۰ سال عمر دارند توسط بمباران ها کشته و یا زخمی شده اند، درحالیکه این تلفات درمیان زنانیکه از ۳۱ تا ۴۰ سال عمر دارند به ۹۲ فیصد میرسد). (جدول سوم دیده شود).

تجزیه وتحلیل میزان تلفات با درنظر داشت سن وجنس نشان میدهدکه رقم تلفات میان مردانیکه ۱۳۴ نفر فی هزار است نسبت به زنان که تعداد آن به ۳۸ نفر فی هزار میرسد، بلندتر است میزان تلفات میان مردان - با افزایش درسن وسال تدریجا ازدیاد می یا بدوحداکثر آن درمیان افرادیکه ۳۱ تا ۴۰ سال دارند به ۲۲۴ نفر فی هزار میرسد وبعداز آن اندکی کاهش می یابد. درباره زنان هنوز معلومات کاملا موثق وجودندارد، امابعداز ۴۱ سالگی درمیزان مرگ ومیرمیان آنها افزایش قابل ملاحظه یی به مشاهده میرسد. این حقیقت که مردان مستقیما درجنگ شرکت دارندیگانه عامل تفاوت میان مردان وزنان نیست، درجامعه افغانستان مردان با رفتن به کاریا سرگرمی دیگر؟ وسیله ارتباط میان خانواده وجهان خارج محسوب می شوند. زنان به صورت عموم درخانه باقی مانده وبه تربیت اطفال یا امورزراعت می پردازند. چنین مینماید که امکان تلفات با میزان تغییروتعویض محل بود

وبا ش ا زديا دمی يا بد . خا نه‌ها يی که‌ا زگل و خا ک سا خته‌شده‌با شددر مقا بل خمپا ره‌ها ی کوچک مصئـو ن ا ند . فيصدی تلفا ت درميا ن زنا ن بعدا زرسيدن بـه سن وسا لی که‌ديگروضع حمل نمی کننندا فزا يش مـی يا بد ، زيرا درا ين وقت مصروفيتها ی خا نه‌کمترشد ه وزنا ن بزرگ سا ل با سهولت ا زخا نه‌ها ی شا ن بيرو ن رفته ميتوا ننند ، ا ما ا ين کا رآ نها را بيشتربه خطـر موا جه‌می سا زد . (جدول چها رم ديده‌شود) .

نتا يج به‌دست آ مده‌که‌ا زدوسروی محدود تـر مطا بق پلان ا نجا م شد ـ نتا يج سروی ا صلی را تا ئيد ومعلوما ت بيشتردررا بطه‌به‌ا طفا ل وزنا ن ا را ئه می نما يدتعدا ديتيما ن ميا ن ا طفا لی که‌ا ز ۹ تا ۱۵ سال عمردا رندبه ۲۴ درصدميرسدا زجملـه‌آ نها ،پا نزده‌فيصد پدرا ن ودوفيصدديگرما درا ن خودرا ا زدست دا ده‌ا ند . چها رفيصدپدرا ن وسه‌فيصدما درا ن برا شرعوا مـــل طبيعی جا ن خودرا ا زدست دا ده‌ا ند . درفا ميل ها يی که‌دا را ی يک زوجه‌ميبا شد ، درصورتيکه‌پدرفا ميل در قيدحيا ت با شد ـ حد ا وسط تعدا دا طفا ل به ۶/۳۳ مي رسد . ا گرپدربه‌ا شرعوا مل طبيعی وفا ت نموده‌با شد ، ا ين تعدا د ۵/۵۷ نفرا ست وا گردرجنگ کشته‌شده‌با شد ، تعدا دآ ن به ۴/۲۷ با لغ می گردد .

به‌ا سا س عنعنا ت ا سلامی درميا ن ا فغا نهـا ،

پیام کانون

لشکرکشی شوروی برکشورما ده‌سال دوام کرد ، پی آمدهای ناهنجار اجتماعی واقتصادی بدنبال آورد . میلیونها هموطن ما به‌زور وجبرخانه‌های خود را ترک دادندودرکشورهای بیگانه‌پناهندگی اختیار نمودندوهزارها دهکده‌با شبکه‌های آبیاری و خطوط وارداتی بخاک سیاه‌تبدیل شد . سخن کوتاه‌برترکیب جامعه‌عنعنوی مادگرگونی های عمیق ودوامدار وارد کردچنانکه‌اثرات شوم وناگوارآن سالیان متمادی عوامل درد ورنج هم وطنان مارا فراهم خواهدنمود.

رساله‌ای که‌دراختیارشما قراردارد، بوسیله مارینک یکی ازپژوهشگران سرشناس به‌بررسی گرفته ومدت سه‌سال برآن مشغول شده‌ودرمجله‌مشهور اشین سروی بچاپ‌رسیده، مراتب این دگرگونی ها را موردکنجکاوی قرارداده‌وتلاش نموده، تاسرحدامکان میزان واقعی تلفات وخسارات وارده‌راارائه‌نماید.

چون رساله‌یادشده ، برای پژوهشگران وتاریخ نویسان دوران جهاد ، سندمعتبرومفیدبشمامیرفت ، لهذا مصلحت دیدیم که آنرا ازمتن انگلیسی ترجمه و به‌سلسله‌کتابهای جیبی، دراختیارعلاقمندان قرار دهیم .

پوهاندددکتورعلمی

رئیس

کانون ترجمه‌آثارجهادافغان

(۱۴)

افغانستان

۱۹۸۷-۱۹۷۸

جنگ وساختمان جمعیت

ماریک سیلونسکی

ترجمه و نشر

کانون ترجمه آثار جهاد افغان

۱۵

افغانستان

۱۹۷۸-۱۹۸۷

جنگ وساختمان جمعیت

مارک سیلونسکی

ترجمه و نشر

کانون ترجمه آثار جهاد افغان

نا م کتاب : ا فغا نستا ن ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷
جنگ وسا ختما ن جمعیت
نویسنده : ما ریک سیلونسکی
ترجمه ونشر : کا نو ن ترجمه آ ثا رجها دا فغا ن
تا ریخ چا پ : حوت ۱۳۶۷
شما ره مسلسل جیبی : ۱۴
محل طبع : پشا ور ـ پا کستا ن

بسم الله الرحمن الرحيم

دوقا صدا سپارتی بهسوزیس رفتندوبا ها یدر -
ینس مقام بلندپایهدربار فارس ملاقات نمودند در
جریان دیدار مقام عالیرتبهفارس اظهار داشت هر
گاه ایشان بهامپراتور مستبدفارس خدمت کنند آنها
را درقلمروخودشان بهقدرت خواهدرسانید . جهت
روشن کردن ذهنیت مردمان آزادهیرودت جواب آن
دورا برای ما چنین نقل میکند :
آنها پاسخ دادند
ها یدرینس ! شما یک مشاورعادل نیستید . شما از
یکنوع زندگی آگاهی دارید ، اما درمورد دیگر
چیزی نمیدانید . شما میدانیدکهزندگی یک غلام
چگونهاست . هیچ وقت لذت آزادی را نچشیده اید
اگرشما فقط میدانستیدکهآزادی چیست ، درآنصورت
بهما مشورهمیدادیدکهبرای بدستآوردن آزادی نه
تنها با تیرونیزهبلکهبا تبرهای دست داشته خویش
نیزبجنگید .

فهرست مطالب